



## Positive and Negative Conditions of Recognition and Enforcement of Foreign Judgment and its Challenges in Iran

Soheyl Zangi<sup>1</sup>, Nejad Ali Almasi<sup>2\*</sup>, Hossein Mehrpour Mohammadabadi<sup>3</sup>

1. Department of Law, United Arab Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates.

2. Department of International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti, Tehran, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** The development of international relations has made the recognition and implementation of judgments issued by foreign courts an undeniable necessity, as it has made this issue one of the important issues of private international law. Recognition and execution of a foreign judgment requires the fulfillment of a series of positive and negative conditions.

**Method:** The research method of this article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

**Ethical Considerations:** In this article, the originality of the text, honesty and trustworthiness are observed.

**Results:** In spite of the fact that the expansion of international relations in today's world, especially in commercial affairs, it is necessary that the necessary conditions for the recognition and execution of foreign judgments are completely clear and free from any ambiguity; In Iran's legal system, the legal articles governing the recognition and execution of foreign judgments are full of ambiguity, which is the source of fundamental challenges in practice.

**Conclusion:** The current research shows that unfortunately, both categories of positive and negative conditions of "recognition and enforcement of foreign judgment" in Iran's legal system are ambiguous and challenging. The main source of the challenges is the vagueness of the terms used in the relevant legal articles and unfortunately, it can be said that in all the clauses and related articles, there are ambiguous words that have caused different interpretations by the authors.

**Keywords:** Identification; Execution; Foreign Judgment; positive Conditions; Negative Conditions

**Corresponding Author:** Nejad Ali Almasi; **Email:** [nalmasi@ut.ac.ir](mailto:nalmasi@ut.ac.ir)

**Received:** June 25, 2023; **Accepted:** August 28, 2023; **Published Online:** March 02, 2024

### Please cite this article as:

Zangi S, Almasi NA, Mehrpour Mohammadabadi H. Positive and Negative Conditions of Recognition and Enforcement of Foreign Judgment and its Challenges in Iran. *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e36.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

## مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

# شرایط ایجابی و سلبی شناسایی و اجرای حکم خارجی و چالش‌های آن در ایران

سهیل زنگی<sup>۱</sup>، نجادعلی الماسی<sup>۲\*</sup>، حسین مهرپور محمدآبادی<sup>۳</sup>

۱. گروه حقوق، واحد امارات متحده عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

۲. گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، شهید بهشتی، تهران، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** توسعه روابط بین‌المللی، شناسایی و اجرای احکام صادره از محاکم خارجی را تبدیل به ضرورتی انکارناپذیر نموده، چنانکه این موضوع را به صورت یکی از مسائل مهم حقوق بین‌الملل خصوصی درآورده است. شناسایی و اجرای حکم خارجی مستلزم احراز یکسری شرایط ایجابی و سلبی می‌باشد.

**روش:** روش تحقیق مقاله حاضر، توصیفی - تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیشبرداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** علیرغم اینکه گسترش روابط بین‌المللی در دنیای امروز به ویژه در امور بازرگانی مقتضی آن است که شرایط لازم برای شناسایی و اجرای حکم خارجی کاملاً شفاف و به دور از هرگونه ابهامی باشد، در نظام حقوقی ایران مواد قانونی ناظر بر شناسایی و اجرای حکم خارجی پر از ابهام بوده که منشأ چالش‌های اساسی در عمل می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** پژوهش حاضر نشان‌دهنده این است که متأسفانه هر دو دسته از شرایط ایجابی و سلبی «شناسایی و اجرای حکم خارجی» در نظام حقوقی ایران مبهم و چالش‌برانگیز است. منشأ عمده چالش‌ها، مبهم‌بودن عبارات به کاررفته در مواد قانونی مرتبط است و متأسفانه شاید بتوان گفت در تمام بندها و مواد مرتبط، کلمات مبهم که موجب ارائه تفاسیر متفاوت از سوی نویسندگان شده، وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** شناسایی؛ اجرا؛ حکم خارجی؛ شرایط ایجابی؛ شرایط سلبی

نویسنده مسئول: نجادعلی الماسی؛ پست الکترونیک: [nalmasi@ut.ac.ir](mailto:nalmasi@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Zangi S, Almasi NA, Mehrpour Mohammadabadi H. Positive and Negative Conditions of Recognition and Enforcement of Foreign Judgment and its Challenges in Iran. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e36.

## مقدمه

این امر که هیچ کشوری، از جمله ایران اجازه اجرای بی‌قید و شرط احکام خارجی را در کشور خود نمی‌دهد و آن را مشروط به احراز شرایطی می‌کند، یک اصل عام و کلی در سطح حقوق بین‌الملل است. امروزه شناسایی و اجرای احکام خارجی یکی از موضوعات مهم حقوق بین‌الملل خصوصی تلقی می‌شود. برخی از نظام‌های حقوقی اصل را بر شناسایی و اجرای احکام خارجی بنا نهاده‌اند و در مقابل برخی دیگر، از جمله ایران، نظام حقوقی‌شان بر اصل عدم شناسایی و اجرای احکام خارجی استوار است. در زمینه چگونگی شناسایی و اجرای حکم خارجی روش‌های متعددی وجود دارد که عبارتند از: روش کنترل محدود، روش کنترل نامحدود، روش رد مطلق و روش تجدید نظر مطلق. در روش کنترل محدود فقط شرایط شکلی حکم خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به مسائل ماهوی حکم خارجی ورود نمی‌شود، اما در روش کنترل نامحدود حکم خارجی از حیث شرایط شکلی و ماهوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در دو روش پیش‌گفته حکم خارجی اگر حائز شرایط باشد، مورد شناسایی قرار گرفته و با اجرای آن موافقت می‌شود، در غیر این صورت از شناسایی و اجرای آن خودداری می‌گردد، اما به هیچ وجه در حکم خارجی تغییری صورت داده نمی‌شود. در روش تجدید نظر مطلق نه تنها حکم خارجی از حیث شکلی و ماهوی مورد بررسی قرار می‌گیرد، بلکه امکان تغییر حکم خارجی نیز وجود دارد. با توجه مطالب پیش‌گفته در پژوهش حاضر شاید بتوان گفت اگرچه در نظام حقوقی ایران «اصل بر عدم شناسایی و اجرای احکام خارجی» می‌باشد، اما در رسیدگی به درخواست شناسایی و اجرای حکم خارجی از روش «کنترل محدود» تبعیت شده است، البته به نظر می‌رسد در دعاوی و امور خانودگی موضوع ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده روش «کنترل نامحدود» را مورد پذیرش قرار داده است. شرایط لازم برای شناسایی و اجرای حکم خارجی در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ در هشت بند، در قالب «عام مجموعی» مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است. آیین رسیدگی به «درخواست شناسایی و

اجرای حکم خارجی» نیز در مواد ۱۷۰ تا ۱۷۹ قانون مزبور مورد تبیین قرار گرفته است. با اندکی دقت در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی که مبین شرایط لازم برای شناسایی و اجرای حکم خارجی می‌باشد، روشن می‌گردد این شرایط در دو دسته شرایط ایجابی و شرایط سلبی قابل تقسیم‌بندی هستند. بر همین مبنا نخست شرایط ایجابی و سپس شرایط سلبی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## روش

روش تحقیق مقاله حاضر، توصیفی - تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیشبرداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

## یافته‌ها

علیرغم اینکه گسترش روابط بین‌المللی در دنیای امروز به ویژه در امور بازرگانی مقتضی آن است که شرایط لازم برای شناسایی و اجرای حکم خارجی کاملاً شفاف و بدور از هرگونه ابهامی باشد، در نظام حقوقی ایران مواد قانونی ناظر بر شناسایی و اجرای حکم خارجی پر از ابهام بوده که منشأ چالش‌های اساسی در عمل می‌باشد.

## بحث

۱. شرایط ایجابی شناسایی و اجرای حکم خارجی: عبارت «شرایط ایجابی» ناظر به آن دسته از شرایطی می‌باشد که جهت شناسایی و اجرای حکم خارجی باید وجود داشته باشند و فقدان آن مانع شناسایی و اجرای حکم خارجی می‌گردد. در ادامه «شرایط ایجابی» و چالش‌های آن مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

۱-۱. لزوم وجود حکم خارجی: اگرچه در ماده ۱۶۹ ق.ا.م.بند مستقلی به لزوم «وجود حکم خارجی» اشاره ننموده است، اما شاید بتوان گفت بدیهی‌ترین شرط برای «شناسایی و اجرای حکم خارجی در ایران»، وجود حکم صادره از دادگاه خارجی باشد. صدر ماده ۱۶۹ ق.ا.م.بند نیز مبین لزوم «وجود

موضوع یا بر اساس «قانون مقر دادگاه» انجام می‌شود و یا بر اساس «قانون سبب» صورت می‌گیرد (۵). علاوه بر این چنین دیدگاهی با عنایت به تفاوت توصیف‌های متفاوت از یک موضوع در نظام‌های حقوقی مختلف عملاً منجر به محدود شدن بیش از حد قلمرو ماده ۱۶۹ ق.ا.م می‌گردد. به نظر می‌رسد با عنایت به مفاد ماده ۹۷۱ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «... دعای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود...»، بتوان بر این باور بود توصیف «حکم» باید بر اساس قوانین کشور محل صدور حکم خارجی صورت گیرد.

۱-۲. **ماهیت خصوصی داشتن حکم خارجی:** با توجه به عبارت «احکام مدنی ... خارجی» مندرج در صدر ماده ۱۶۹ ق.ا.م روشن است احکام صادره از دادگاه‌های خارجی وقتی در ایران قابل اجرا هستند که جنبه مدنی و خصوصی داشته باشند (۱). در واقع اکثر نظام‌های حقوقی در دنیا احکام مالیاتی و جریمه و هر حکم دیگری را که ماهیت جزایی دارد، از مسائل مربوط به حقوق عمومی می‌دانند و از حوزه شناسایی و اجرای احکام خارجی خارج می‌کنند.

البته در این خصوص که احکام خارجی در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم در قلمرو ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی قرار می‌گیرد یا خیر، موضوع می‌تواند محل مناقشه قرار گیرد. به نظر می‌رسد «در نظام حقوقی ایران جبران ضرر و زیان مبتنی بر عمل مجرمانه یک دعوی مدنی تلقی می‌گردد و در این راستا حکم مقرر در مواد ۱۵ و ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری قابل استناد است» (۱). بدین توضیح که ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری دعوی مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم را تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی دانسته و ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری نیز اصل را بر طرح این دعوا در دادگاه حقوقی دانسته است، لذا می‌توان گفت حکم صادره از دادگاه خارجی در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم در قلمرو ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی قرار می‌گیرد.

۱-۳. **لزوم قطعی و معتبر بودن حکم خارجی:** بند ۴ ماده ۱۶۹ ق.ا.م.ا. مقرر می‌دارد: «حکم در کشوری که صادر شده

حکم خارجی» می‌باشد که بیان داشته است: «احکام مدنی صادر از دادگاه‌های خارجی، در صورتی که واجد شرایط زیر باشد، در ایران قابل اجراست، مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد...».

تفکیک بین حکم و قرار امری مرسوم است. نخستین چالش مرتبط با شرط ایجابی «وجود حکم خارجی» این است که آیا قرارهای صادره از دادگاه‌های خارجی را نیز می‌توان طبق ماده ۱۶۹ ق.ا.م در ایران اجرا نمود؟ در حقوق بسیاری از کشورها اجرای قرارهای خارجی امکان‌پذیر است. بدین توضیح که ماده ۵۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مصوب ۱۹۷۵، ماده ۱۸ قانون اصول محاکمات آلمان و ماده ۶۶ قانون حقوق بین‌المللی خصوصی ایتالیا مصوب ۱۹۹۵ حاکی از پذیرش اجرای قرار خارجی در کشورهای توسعه‌یافته است (۱)، اما در نظام حقوقی ایران به نظر می‌رسد وضعیت متفاوت باشد و نتوان قرارهای صادره از دادگاه خارجی را در ایران اجرا نمود، چراکه اولاً در مواد ۱۶۹ تا ۱۷۲ ق.ا.م اصطلاح «حکم» به کار گرفته شده و نه «رأی» که «قرار» را نیز دربر گیرد؛ دوماً شرایط مذکور در برخی بندهای ماده ۱۶۹ ق.ا.م، از جمله بند ۴ و بند ۶ فقط در مورد «حکم» موضوعیت پیدا می‌کند و اساساً در مورد «قرار» موضوعیت پیدا نمی‌کنند (۲).

دومین چالش مرتبط با شرط «وجود حکم خارجی» این است که توصیف «حکم» بر اساس قانون کشور صادرکننده حکم خارجی است یا بر اساس قانون کشور محل اجرای حکم خارجی، یعنی ایران باید صورت گیرد؟ «برخی بیان داشته‌اند برای اینکه دستور صادرشده از دادگاه خارجی حکم تلقی شود، بایستی طبق هر دو قانون مقر دادگاه (دادگاه محل تقاضای شناسایی و اجرای حکم) و قانون دادگاه محل صدور رأی، رأی مزبور حکم دانسته شود. پس اگر مطابق قوانین هر یک از دادگاه‌های محل صدور یا محل تقاضای شناسایی و اجرا دستور صادرشده، حکم محسوب نشود، نمی‌توان تصمیم اتخاذشده توسط دادگاه را حکم خارجی تلقی کرد» (۴). چنین دیدگاهی با قواعد توصیف در حقوق بین‌الملل خصوصی تعارض دارد، چراکه در بحث تعارض قوانین توصیف یک

قانون اجرای احکام مدنی بند پنجمی با این مضمون اضافه گردد:

«۵- گواهی قطعیت حکم از مقام صلاحیت‌دار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد.»

گفتنی است در بند ۴ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی قانونگذار در ردیف قطعیت بودن حکم صادره عبارت «... و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد» را نیز افزوده است. منظور این است که حکم مطابق با قانونی که بر آن حاکم است به وجود آمده و همه شرایط لازم را داراست و هنوز اعتبار دارد و مثلاً مشمول مرور زمان نشده است.

#### ۱-۴. لزوم لازم‌الاجرا بودن حکم خارجی و صدور دستور

##### اجرا از مقام صلاحیت‌دار کشور صادرکننده حکم: بند ۴

ماده ۱۶۹ ق.ا.م مقرر می‌دارد: «حکم در کشوری که صادر شده... لازم‌الاجرا بوده...» و در بنده ۸ همین ماده مقرر شده است: «دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیت‌دار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد.» قاضی ایرانی باید مطمئن شود حکم از نظر مقامات کشور صادرکننده هیچ ایرادی ندارد و دستور اجرای آن نیز صادر شده است (۷). بنابراین قطعیت و لازم‌الاجرا بودن حکم برای اجرای آن در ایران کافی نیست و باید اجرائیه نیز بر مبنای آن حکم صادر شده باشد و اگر به هر دلیل امکان صدور اجرائیه از کشور خارجی نباشد در ایران نیز نمی‌توان برای آن حکم اجرائیه صادر کرد (۱۰). وجود چنین دستوری نشان می‌دهد که حکم، همه مراحل لازم برای اجرا شدن در کشور صادرکننده را طی کرده، لیکن محکوم‌له موفق به اجرای آن نشده است (۱۱). به نظر شاید بتوان گفت شرط ایجابی مقرر در بند ۸ ماده ۱۶۹ ق.ا.م، شرط مستقلی از «لازم‌الاجرا بودن» مقرر در بنده ۴ همین ماده نیست و بیشتر دلیل اثباتی لازم‌الاجرا بودن حکم خارجی است. در حقیقت صدور دستور اجرای حکم خارجی از سوی مقام صلاحیت‌دار کشور صادرکننده حکم تردیدی در لازم‌الاجرا بودن حکم خارجی باقی نمی‌گذارد و تبعاً در این خصوص که احراز لازم‌الاجرا بودن یا نبودن حکم خارجی بر عهده محکمه است یا بر عهده درخواست‌کننده می‌باشد، تردیدی باقی نمی‌ماند.

قطعیت ... بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.» برخی حقوقدانان ایرانی حکم قطعیت را حکمی می‌دانند که در مقابل آن هیچ یک از طرق عادی شکایت وخواهی یا تجدید نظر قابل طرح نباشد (۶)، شرط قطعیت به این دلیل مطرح شده که تا حکمی، قطعیت نشده باشد، قابلیت اجرا حتی در کشور صادرکننده را ندارد و به طریق اولی در ماورای مرزهای کشور محل صدور نیز قابل اجرا نیست و برای ذی‌نفع نیز حقی ایجاد نمی‌کند (۷).

با توجه به اینکه مفهوم قطعیت حکم ممکن است بر حسب قانون هر کشور متفاوت باشد، این سؤال قابل طرح است که قطعیت بودن یا نبودن حکم خارجی بر اساس قانون کشور صادرکننده حکم باید ارزیابی شود یا قانون کشور محل اجرای حکم ایران؟ بند ۴ ماده ۱۶۹ ق.ا.م نیز تصریح می‌دارد که معیار قطعیت بودن یا نبودن حکم خارجی، قانون کشور محل صدور حکم است. سؤالی که در این خصوص قابل طرح می‌باشد، این است که استحضار از قانون خارجی که به موجب آن قطعیت یا عدم قطعیت حکم روشن می‌شود به چه طریقی حاصل می‌گردد؟ «پاسخ به این سؤال در گرو این مسأله است که مشخص شود قانون کشور خارجی جزء امور حکمی است یا از زمره امور موضوعی محسوب می‌شود؟ اگر آن را در زمره امور حکمی بدانیم، وظیفه قاضی دادگاه است که به متن و محتوای قانون خارجی دسترسی پیدا کند. در این خصوص گفته شده است در اغلب نظام‌های حقوقی این قاعده که «قانون تکلیف قاضی است»، فقط شامل قوانین داخلی است و در خصوص قانون خارجی چنین تکلیفی متوجه قاضی نیست» (۸). «نتیجه منطقی این امر آن است که اثبات قانون خارجی مانند سایر امور موضوعی و ماهوی به عهده کسی است که به آن استناد می‌کند و چون اصحاب دعوی به قانون خارجی استناد می‌کنند بنابراین اثبات آن به عهده آنان است و در فرض سؤال بر عهده خواهان می‌باشد» (۹).

آنچه که می‌تواند در عمل راهگشا باشد، آن است که گواهی دادگاه خارجی صادرکننده حکم مبنی بر قطعیت آن جزء پیوست‌های الزامی درخواست شناسایی و اجرای حکم خارجی قرار گیرد و در همین راستا پیشنهاد می‌گردد به ماده ۱۷۳

حکم از مقام صلاحیت‌دار کشور صادرکننده حکم خارجی، «اعاده دادرسی» نموده و در جریان اعاده دادرسی دستور توقف عملیات اجرایی صادر شده باشد. حال چنانچه محکوم‌له چنین حکمی درخواست شناسایی و اجرای آن در ایران داشته باشد و تقاضای خود را وفق مقررات قانون اجرای احکام مدنی تقدیم دادگاه ایرانی نماید، محکمه ایرانی چگونه از توقف عملیات اجرایی در کشور محل صدور حکم مطلع خواهد شد؟ عدم ابلاغ و عدم اطلاع محکوم‌علیه حکم خارجی از درخواست شناسایی و اجرای حکم خارجی در ایران، ایراد بسیار مهمی است که در مطالب مربوط به «شرایط سلبی شناسایی و اجرای حکم خارجی» بسیار بیشتر نمایان خواهد شد.

۵-۱. رفتار یا معامله متقابل: بسیاری از کشورها اجرای احکام خارجی را بر شرط رفتار متقابل معلق کرده‌اند در حقوق ایران نیز اجرای احکام خارجی بر شرط رفتار متقابل معلق شده است. بند ۱ ماده ۱۶۹ ق.ا.م.ا. مقرر می‌دارد: «حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهد یا قراردادهای احکام صادر از دادگاه‌های ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید.» حقوق بین‌الملل در مقیاس وسیعی بر پایه رفتار متقابل به عبارتی عمل و عکس‌العمل استوار است، مفهوم آن این است که کشور صادرکننده و کشور اجراکننده حکم احکام یکدیگر را بشناسند و در کشور خود اجرا کنند عمل متقابل ممکن است به موجب قانون ایجاد شود یا موجب معاهده و یا رویه محاکم (۱۲).

در هر حال در صورت نبود معاهده یا سکوت قانون کشور محل صدور حکم، دادگاه ایرانی با توجه به قسمت پایانی بند ۱ ماده ۱۶۹ ق.ا.م.ا. عملی احکام صادره از دادگاه‌های ایرانی در کشور خارجی را بررسی می‌کند و چنانچه احکام ایرانی در آن کشور اجرا شوند، با استناد به رفتار متقابل عملی به اجرای حکم خارجی در ایران دستور می‌دهد. در همین زمینه با توجه به اینکه مطابق استعمال دادگاه عمومی حقوقی مجتمع شهید بهشتی تهران در دعوی مورد رسیدگی به شماره دادنامه ۱۳۹۶/۱۱/۱۲ مورخ ۹۶۰۹۹۷۰۳۲۶۱۰۱۱۷۰ مشخص شد

مفاد بند ۸ ماده ۱۶۹ ق.ا.م.ا. مشابه پیشنهادی است که در خصوص چگونگی اثبات قطعی بودن یا نبودن حکم خارجی ارائه شد. بر همین اساس، به نظر می‌رسد اگر مفاد بند ۸ موصوف، در ماده ۱۷۳ قانون اجرای احکام مدنی قرار می‌گرفت، بهتر می‌بود.

چالشی که در این خصوص قابل طرح می‌باشد، این است که چنانچه نسبت به حکم خارجی اعتراض ثالث یا اعاده دادرسی صورت گرفته باشد؛ آیا این موضوع باعث عدم شناسایی و اجرای حکم خارجی می‌شود؟ پاسخ این سؤال بستگی به این دارد که در کشور محل صدور حکم «اعاده دادرسی» و «اعتراض ثالث» اثر تعلیقی دارد یا خیر؟ به بیان دیگر آیا در کشور محل صدور حکم «اعاده دادرسی» و «اعتراض ثالث» مانع اجرای حکم می‌گردد یا خیر؟ اگر وضعیت مشابه نظام حقوقی ایران باشد، پاسخ به این سؤال منفی است، چراکه در ایران «اعاده دادرسی» و «اعتراض ثالث» اثر تعلیقی نداشته و مانع اجرای حکم قطعی نمی‌گردد (۱)، البته ناگفته نماند در نظام حقوقی ایران مواردی پیش‌بینی شده است که متعاقب «اعاده دادرسی» یا «اعتراض ثالث» با صدور قرار تأخیر عملیات اجرایی، جلوی اجرای حکم معترض‌عنه گرفته می‌شود. حال این سؤال قابل طرح است که چنانچه در کشور محل صدور حکم خارجی نیز متعاقب «اعاده دادرسی» یا «اعتراض ثالث» با صدور تصمیمی مشابه قرار تأخیر عملیات اجرایی، جلوی اجرای حکم گرفته شود، آیا این موضوع مانع شناسایی و اجرای حکم خارجی در ایرانی می‌گردد؟ در این فرض، پاسخ بی‌گمان مثبت خواهد بود، چراکه چگونه ممکن است حکمی که در کشور محل صدور جلوی اجرای آن گرفته شده است را در ایران اجرا نمود؟ البته ایراد بسیار مهمی که وجود دارد این است که درخواست شناسایی و اجرای حکم خارجی به محکوم‌علیه ابلاغ نشده و محکمه ایرانی در وقت فوق‌العاده نسبت به درخواست مزبور رسیدگی می‌نماید و عملاً امکان اطلاع محکمه ایرانی از صدور دستوری مبنی بر توقف عملیات اجرایی در کشور صادرکننده حکم وجود ندارد. برای مثال محکوم‌علیه حکم خارجی متعاقب صدور دستور اجرای



دعوا را مطابق قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی ایران احراز کند» (۱۴). این دیدگاه توسط نویسندگان دیگر نیز مورد تأیید قرار گرفته است (۱۵).

**۲. شرایط سلبی شناسایی و اجرای حکم خارجی:** عبارت «شرایط سلبی» ناظر به آن دسته از شرایطی می‌باشد که جهت شناسایی و اجرای حکم خارجی نباید وجود داشته باشند و وجود آن مانع شناسایی و اجرای حکم خارجی می‌گردد. در ادامه «شرایط سلبی» و چالش‌های آن مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

**۲-۱. عدم مغایرت حکم خارجی با نظم عمومی و اخلاق حسنه:** نظم عمومی به عنوان یک ابزار بازدارنده و حامی منافع ملی، در تمام حوزه‌های حقوق، از جمله حقوق خصوصی و حقوق بین‌الملل مطرح است. بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مقرر می‌دارد: «مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد.»

تعیین دقیق مفهوم نظم عمومی دشوار است و تمامی تلاش‌هایی که در جهت تقسیم قوانین به قوانین مربوط به نظم عمومی و قوانین غیر مربوط به آن به عمل آمده، همچنین کوشش‌هایی که برای تعیین دقیق محدوده نظم عمومی انجام شده با شکست مواجه شده است، لذا تشخیص مصادیق نظم عمومی همچنان بر عهده قاضی مانده است (۱۶).

«برخی در راهکاری قابل پذیرش گفته‌اند که ضابطه تشخیص نظم عمومی و اخلاق حسنه در شناسایی و اجرای حکم خارجی این است که قاضی از خود بپرسد که اگر این دعوی و اختلاف در کشور ایران مطرح شده بود آیا دادگاه ایرانی این اختلاف و دعوی را به رسمیت می‌شناخت یا خیر؟ اگر جواب مثبت بود، یعنی خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه نیست، اما اگر پاسخ منفی بود، یعنی برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه است. به عنوان مثال در کشور فرانسه معامله‌ای مبنی بر خرید و فروش مشروبات الکلی صورت گرفته است و فروشنده دادخواست مطالبه ثمن معامله را تقدیم دادگاه فرانسه می‌نماید، در حالی که اگر چنین دعوی در دادگاه ایران

احکام دادگاه‌های ایرانی در سوئد اجرا نمی‌شوند، دادگاه دستور اجرای حکم صادره از دادگاه سوئد را صادر نکرد (۱).

بدیهی است که جهت احراز «رفتار متقابل» وجود یکی از موارد سه‌گانه مذکور در بند ۱ ماده ۱۶۹ ق.ا.م.کفایت می‌کند. بدین توضیح که صرفاً تصریح به «رفتار متقابل» در قوانین موضوعه کشور محل صدور حکم یا وجود معاهده با کشور محل صدور حکم و یا «رفتار متقابل عملی» کفایت می‌کند، اما این سؤال و چالش مهم قابل طرح است که چنانچه علیرغم تصریح به «رفتار متقابل» در قوانین موضوعه کشور محل صدور حکم خارجی، دادگاه‌های آن کشور عملاً از اجرای احکام صادره از دادگاه‌های ایرانی خودداری نمایند، دادگاه‌های ایرانی در شناسایی و اجرای احکام صادره از چنین کشوری بایستی تصریح به «رفتار متقابل» در قوانین موضوعه آن کشور را ملاک قرار دهد یا رویه عملی محاکم آن کشور را ملاک قرار دهد؟ به نظر می‌رسد در مقام حل تعارض در فرض سؤال، رویه عملی محاکم آن کشور باید مد نظر قرار گیرد. در حقیقت، تصریح قوانین موضوعه کشور خارجی محل صدور حکم بر «رفتار متقابل» مادامی معتبر است که رویه خلاف آن در محاکم آن کشور وجود نداشته باشد.

**۱-۶. لزوم صلاحیت قانون حاکم بر ماهیت دعوا:** حسب اینکه دعوا در دادگاه چه کشوری اقامه شود قانون حاکم بر ماهیت دعوا متفاوت است، زیرا قاضی رسیدگی‌کننده به دعوا موظف است قانون کشور خود را رعایت کند. از این رو این پرسش پیش می‌آید که هرگاه قانون انتخابی دادگاه رسیدگی‌کننده، متفاوت از قانونی باشد که طبق قواعد تعارض قوانین کشور متبوع دادگاه محل اجرای حکم، حاکم بر ماهیت دعواست آیا دادگاه اخیر باید از شناسایی و اجرای حکم صادره خودداری کند؟ (۱۳)

«در حقوق ایران شرط صلاحیت قانون حاکم بر ماهیت دعوا، در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ذکر نشده، ولی یکی از صاحب‌نظران با استناد به بند ۷ ماده مزبور و ماده ۹۷۲ قانون مدنی دادگاه ایران را موظف دانسته که در موقع رسیدگی به تقاضای اجرای حکم خارجی، صلاحیت قانون حاکم بر ماهیت

متحدہ عربی مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰ که در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۲ به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده راجع به اصل محکوم به به لحاظ اینکه شرایط مقرر در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی را دارا بوده و وکیل خواهان نیز وفق مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ قانون مرقوم اجرای آن را کتباً تقاضا نموده است، دادگاه مستنداً به ماده ۱۷۴ قانون مدنی قرار قبول تقاضا و لازم‌الاجرا بودن حکم و دستور اجرای آن معادل مبلغ ریالی در زمان اجرا را صادر و اعلام می‌دارد، اما راجع به مطالبه خسارت تأخیر تأدیه به میزان، از آنجایی که پرداخت خسارت و سود به صورت درصد ثابت ربا محسوب و مفاد حکم مخالف با قوانین مربوطه در نظم عمومی و اخلاق حسنه و خلاف شرع بوده مستنداً به بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی قرار رد تقاضا صادر و اعلام می‌دارد قرار صادره ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ، ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان تهران می‌باشد.»

**۲-۳. تعارض قواعد آیین دادرسی مدنی حکم خارجی با نظم عمومی:** گاهی مفاد و محتوای حکم خارجی هیچ تعارضی با نظم عمومی کشور محل اجرا و در پژوهش حاضر ایران ندارد، اما جریان رسیدگی به دعوی موضوع حکم خارجی به طور صحیح اداره نشده یا مثلاً دادخواست به خوانده ابلاغ نشده است (۱). در حقیقت همانطور که گفته شد، «حکم دادگاه خارجی به طور معمول حاصل اعمال دوگونه قاعده، یعنی قاعده‌های آیین دادرسی مدنی که در آن‌ها خط چگونگی رسیدگی و صدور حکم و قطعیت آن ترسیم گردیده و قاعده‌های راجع به ماهیت است، اقتضای ترتیب اتردادن به حکم دادگاه خارجی و اجرای آن در سرزمین ایران و تأثیر آن در حیثیت نظام قضایی ایران ایجاب می‌کند از سوی دادگاه ایرانی مأمور موافقت با اجرای آن در ایران افزون بر قواعد دادرسی، نحوه رسیدگی و مراعات حق دفاع خوانده نیز در آن به محک نظم عمومی زده شود» (۱۸). در قوانین موضوعه ایران و علی‌الخصوص ماده ۱۶۹ ق.ا.م. لزوم رعایت قواعد آیین دادرسی در دعوی موضوع حکم خارجی به صورت جداگانه مورد تصریح قرار نگرفته است، اما بدون تردید،

مطرح شود، آیا دادگاه ایران چنین دعوی را قبول می‌کند؟ قطعاً جواب منفی است، چراکه قرارداد مبتنی بر موضوع نامشروع برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه ایران است و دادگاه ایرانی چنین دعوی را رد خواهد کرد. بنابراین اگر در دادگاه ایران نیز درخواست شناسایی و اجرای آن شود، دادگاه ایران به دلیل مذکور و به استناد بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران درخواست شناسایی و اجرا را رد خواهد کرد» (۱۷).

با عنایت به اینکه ممکن است حکم خارجی از حیث ماهیت و مفاد با نظم عمومی و اخلاق حسنه مخالف باشد یا اینکه از حیث عدم رعایت قواعد آیین دادرسی مدنی متعارض با نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد، محکمه ایرانی حکم خارجی را باید از دو جنبه پیش‌گفته مورد بررسی قرار دهد (۱).

**۲-۲. تعارض ماهیت و مفاد حکم با نظم عمومی:** در برخی موارد مفاد و محتوای حکم خارجی که تقاضای اجرای آن در ایران شده است، با نظم عمومی در تعارض می‌باشد. این موضوع در پرونده کلاسه ۱۰۰۰۵۸۱/۰۰۹۹۷۰۰۰۹۳۰ شعبه ۱۸۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران، مورخ ۱۳۹۳/۶/۳۱ مطرح شد. دادگاه ایرانی بخشی از حکم خارجی را به جهت اینکه در تعارض با نظم عمومی ایران بوده، قابل ندانسته و بخشی را که تعارضی با نظم عمومی نداشته، مورد شناسایی قرار داده و دستور اجرای آن را صادر نموده است (۱۷). رأی صادره در پرونده پیش‌گفته به شرح ذیل می‌باشد: «در خصوص دادخواست شرکت م. به نمایندگی آقای حس و غ.ق به وکالت الفج به طرفیت ... ۱- م؛ ۲- الف؛ ۳- ع.م به خواسته تقاضای صدور قرار قبول تقاضا و لازم‌الاجرا بودن حکم صادره از دبی و دستور اجرای آن به استناد کپی مصدق دادنامه بدوی و تجدید نظر و اجراییه صادره از محاکم دبی و فتوایی مصدق ترجمه رسمی دادنامه و اجراییه صادره از محاکم دبی و فتوایی مصدق تأییدیه رأی صادره در خصوص رأی صادره از محاکم دبی و دلیل سمت وکالت‌نامه، وکیل نظر به اینکه مطابق ماده ۲۳ توافقنامه معاضدت حقوقی و قضایی در موضوعات مدنی و تجاری منعقدہ فیما بین جمهوری اسلامی ایران و امارات



اما برخی بر این نظر هستند که منظور از قوانین مخصوص آن دسته از معاهدات یا کنوانسیون‌هایی است که مشخصاً در مورد اجرای احکام خارجی میان کشورهای عضو محدودیت ایجاد کرده است (۲۱). با توجه به توضیحات و مثال‌هایی که گذشت، به نظر دیدگاه اول درست‌تر می‌باشد، چراکه آنچه در آغاز به ذهن متبادر می‌شود و از رویه و دیدگاه حقوقدانان در مسائل دیگر پیداست، دیدگاه اول است و دیدگاه دوم دور از ذهن می‌باشد. اگر حکمی با قوانین مخصوص ایران و عهود بین‌المللی پذیرفته‌شده از سوی ایران مخالف نباشد، در ایران قابلیت اجرایی دارد (۲۲).

**۲-۴. عدم مخالفت با عهدنامه‌های بین‌المللی یا قوانین مخصوص:** در بند ۳ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی آمده است که «اجرای حکم مخالف با عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضا کرده یا مخالف با قوانین مخصوص نباشد.» در بند ۳ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی تصریح شده است که «اجرای حکم ... مخالف قوانین مخصوص نباشد.» چالش این است که تعیین شود منظور از قوانین مخصوص چیست؟ بعضی حقوقدانان بر این نظر هستند که منظور از قوانین مخصوص، قوانینی است که مختص حقوق و جامعه ایران باشد، مثلاً در مورد وصیت، قواعد به خصوصی در ایران وجود دارد و اگر دادگاه خارجی به موجب حکمی، مازاد بر ثلث را مؤثر بداند. این حکم در مورد کسانی که تابع قوانین وصیت در ایران هستند نمی‌تواند به موقع اجرا گذاشته شود (۱۹).

همچنین در خصوص ارث طبق ماده ۹۱۱ قانون مدنی «پسر دو برابر دختر ارث می‌برد. اگر حکمی در دادگاه خارج صادر شده باشد و به موجب آن در خصوص تقسیم ترکه بین دو تبعه ایرانی پسر و دختر (متوفی)، دادگاه حکم داده باشد که مثلاً بر طبق موازین دادگاه صادرکننده محل ماترک بالسویه تقسیم شود و تقاضای اجرای حکم خارجی در دادگاه ایرانی به لحاظ وقوع برخی از اموال متوفی گردد، این حکم به موجب بند ۳ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران به لحاظ اینکه با قوانین موضوعه خاص ایران مغایرت دارد، قابلیت شناسایی و اجرا نخواهد داشت» (۲۰).

همچنین در خصوص ارث طبق ماده ۹۱۱ قانون مدنی «پسر دو برابر دختر ارث می‌برد. اگر حکمی در دادگاه خارج صادر شده باشد و به موجب آن در خصوص تقسیم ترکه بین دو تبعه ایرانی پسر و دختر (متوفی)، دادگاه حکم داده باشد که مثلاً بر طبق موازین دادگاه صادرکننده محل ماترک بالسویه تقسیم شود و تقاضای اجرای حکم خارجی در دادگاه ایرانی به لحاظ وقوع برخی از اموال متوفی گردد، این حکم به موجب بند ۳ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران به لحاظ اینکه با قوانین موضوعه خاص ایران مغایرت دارد، قابلیت شناسایی و اجرا نخواهد داشت» (۲۰).

درباره اموال غیر منقول موضوع بند ۷ ماده ۱۶۹ از آن جمله است (۱۸).

به باور برخی دیگر، از تدقیق در مواد ۱۱، ۱۲، ۲۰ و ۲۱ ق.آ.د.م می‌توان صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران را به ترتیب دادگاه اقامتگاه خوانده، دادگاه محل وقوع مال غیر منقول، دادگاه آخرین اقامتگاه متوفی یا محل سکونت متوفی در ایران و دادگاه اقامتگاه شخص متوقف یا ورشکسته یا دادگاه محل استقرار شعبه یا نمایندگی شخص متوقف یا ورشکسته احصا کرد (۲۳). ایراد این دیدگاه این است که عملاً تمام دعاوی را که طبق قواعد صلاحیت محلی نظام حقوقی ایران در صلاحیت دادگاه ایرانی قرار دارد را داخل در قلمرو مفهوم «صلاحیت انحصاری» دانسته و عملاً تا حد زیادی جلوی شناسایی و اجرای حکم خارجی را می‌گیرد. برخی از نویسندگان پا را از این نیز فراتر گذاشته و بیان داشته‌اند که «در این ارتباط تفاوتی بین انواع صلاحیت‌ها اعم از ذاتی، نسبی و محلی و همینطور صلاحیت عام محاکم عمومی حقوقی و کیفری (۲) و صلاحیت خاص محاکمی چون کیفری (۱)، انقلاب، نظامی و... وجود ندارد» (۱۵).

صاحب‌نظری نیز به بیان موارد تمثیلی در خصوص مسأله انحصاری دادگاه‌های ایران پرداخته است و دعاوی مربوط به اموال غیر منقول، دعاوی ورشکستگی و دعاوی راجع به ترکه متوفی را مصداق صلاحیت انحصاری دادگاه ایرانی دانسته است (۵).

برخی دیگر بیان داشته‌اند که در هر حال به دلیل خلاف اصل بودن این شرط، باید به قدر متیقن اکتفا کرد و فقط آن صلاحیت‌هایی را مانع اجرای رأی خارجی دانست که با نظم عمومی کشور یا منافع اشخاص مورد نظر قانون ایران مرتبط باشد؛ دعاوی مرتبط با اموال غیر منقول واقع در ایران یا تقسیم اموال در صورتی که بین شرکا شخصی محجور باشد، (ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی) از این موارد است (۱).

در پایان به نظر می‌رسد با تدقیق در نظریات پیش‌گفته و مثال‌های ارائه‌شده توسط صاحب‌نظران و ظاهر بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی که از لفظ «اختصاص» استفاده

نموده است، بتوان قائل بر این شد که در صورت اجتماع دو شرط ذیل، رسیدگی به دعوا اختصاص به دادگاه ایرانی دارد:

۱- رسیدگی به دعوا تابع قاعده عام صلاحیت محلی دادگاه، یعنی ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی نباشد؛ ۲- رسیدگی به دعوا تابع قواعد صلاحیت محلی انتخابی توسط خواهان، یعنی ماده ۱۳، بخش نخست ماده ۱۶ و ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی نباشد.

با توجه به دو معیار پیش‌گفته شاید بتوان دعاوی که رسیدگی به آن‌ها اختصاص به دادگاه ایرانی دارد را به شرح ذیل احصا نمود: ۱- دعاوی راجع به توقف یا ورشکستگی موضوع مواد ۲۱ و ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛ ۲- دعاوی راجع به ترکه متوفی موضوع ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی؛ ۳- دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال موضوع ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛ ۴- دعاوی راجع به اموال غیر منقول موضوع ماده ۱۲ و بخش دوم ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛ ۵- دعاوی مربوط به اموال مصادره شده موضوع رأی وحدت رویه ۵۸۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛ ۶- دعاوی مربوط به ترکه اتباع خارجه موضوع ماده ۳۵۵ قانون امور حسبی؛ ۷- دعاوی خانوادگی موضوع ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده (البته در خصوص دعاوی موضوع این بند ممنوعیت مطلق وجود ندارد، بلکه شناسایی و اجرای احکام خارجی در مورد دعاوی خانوادگی ایرانیان مقیم خارج منوط به بررسی تفصیلی مجدد در محاکم ایرانی و صدور حکم تنفیذی در این خصوص می‌باشد).

**۲-۶. حکم خارجی راجع به اموال غیر منقول نباشد:** مطابق بند ۷ ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م حکم دادگاه خارجی که از دادگاه ایران درخواست اجرای آن می‌شود «نباید ... راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن ... باشد.» با توجه به عموم و اطلاق این نص، حکم دادگاه خارجی که مربوط به اموال غیر منقول واقع در ایران است، در ایران قابلیت اجرا ندارد. خواه محکوم‌علیه خارجی یا ایرانی باشد و خواه حکم درباره مالکیت مال غیر منقول یا سایر حقوق راجع به مال غیر منقول مانند حق ارتفاق یا حق انتفاع، مزاحمت،

احکام صادره از این کشورها حکم بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی اجرا نخواهد شد و به جای آن شرایطی که در معاهده ذکر شده، اجرا می‌شود. در صورت فقدان چنین توافقاتی، معیار اصلی فقدان تعارض بین دو حکم است و لازم نیست دو حکم از جمیع جهات، موضوعات مشابه داشته باشند و تعارض در یکی از مسائل حقوقی که در دو حکم به صورت قطعی حل و فصل شده است، برای تعارض کافی است (۱). به نظر می‌رسد شاید بتوان گفت همین اندازه که حکم صادره از دادگاه خارجی با حکم صادره از دادگاه ایرانی دارای آثار متعارضی باشند، تقدم با حکم صادره از دادگاه ایرانی است و امکان شناسایی و اجرای حکم خارجی وجود نخواهد داشت. از این رو اگر از دادگاه ایران حکم به اثبات فسخ یا اعلام بطلان قرارداد صادر شود، در حالی که حکمی از دادگاه خارجی مبنی بر الزام به ایفای تعهد صادر شده، حکم خارجی اجرا نمی‌شود.

#### ۲-۹. تعارض حکم قطعی خارجی با حکم غیر قطعی

**داخلی:** در تعارض حکم خارجی با حکم داخلی این احتمال وجود دارد که حکم داخلی غیر قطعی باشد، اما حکم خارجی معارض قطعیت داشته باشد. به نظر می‌رسد حتی اگر حکم صادره از محاکم داخلی قطعی نشده باشد، همچنان نسبت به حکم خارجی معارض ارجحیت داشته باشد، زیرا در بند ۴ ماده ۱۶۹ ق.ا.م. برای اجرای حکم خارجی قطعیت لازم است، ولی در بند ۵ این ماده، درباره تعارض حکم خارجی با حکم داخلی، شرط قطعیت ذکر نشده است (۴). به بیان ساده در بنده ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی عبارت «حکم داخلی» از حیث قطعی یا غیر قطعی بودن مطلق بوده و مقید نشده است.

#### ۲-۱۰. حکم خارجی و طرح دعوی سابق یا لاحق: گاهی

دستور اجرای حکمی خارجی درخواست شده که در خصوص موضوع حکم مزبور دعوایی در دادگاه کشور محل اجرا اقامه شده است. سؤال این است که آیا صرف طرح دعوا در دادگاه داخلی مانع اجرای حکم خارجی می‌شود؟

برخی پژوهشگران بر این باورند که اگر تاریخ اقامه دعوا در ایران مقدم بر تاریخ اقامه دعوی موضوع حکم خارجی باشد، قاضی ایرانی دستور اجرای حکم خارجی را صادر نمی‌کند، اما

ممانعت از حق و تصرف عدوانی بوده و یا به گونه دیگری مربوط به مال غیر منقول باشد، مانند حکم الزام به تنظیم سند رسمی انتقال مال غیر منقول (۲).

#### ۲-۷. فقدان صدور حکم از دادگاه داخلی: بند ۵ ماده

۱۶۹ ق.ا.م. مقرر می‌دارد: «از دادگاه ایران حکم، مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد.» این شرط کاملاً منطقی است، زیرا اعتبار دادن به احکام داخلی اولویت دارد. در غیر این صورت، ترجیح حکم خارجی بر حکم داخلی بدین معناست که دادگاه خارجی دعوا را بهتر حل و فصل می‌کند و توان بیشتری برای تحقق عدالت دارد؛ موضوعی که هیچ نظام حقوقی آن را نمی‌پذیرد (۲۴). دکترین و رویه قضایی فرانسه این موضوع را با نظم عمومی مرتبط می‌دانند بنابراین نیازی به تصریح این شرط نمی‌بینند (۲۵). در خصوص این شرط سؤالات و ابهامات مهمی مطرح است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

#### ۲-۸. احکام غیر قابل جمع در دو دعوای متفاوت: در

زمینه شرط عدم تعارض میان حکم داخلی و حکم خارجی این سؤال مطرح است که آیا باید حکم معارض صادره از دادگاه محل اجرا دقیقاً درباره همان موضوع اختلافی باشد که در کشور خارجی رسیدگی شده است یا اگر موضوع دو دعوا متفاوت، اما احکام صادره از دو دعوا با یک دیگر ارتباط داشته باشند و قابل جمع نباشند، حکم صادره خارجی قابل اجرا نیست؟ مثلاً در دادگاه مصر درباره یک قرارداد بیع، دادگاه حکم به تسلیم مبیع به مشتری داده، اما در دادگاه ایران در خصوص دعوی بطلان همان قرارداد، دادگاه مزبور حکم به بطلان قرارداد داده است، در این صورت کدام حکم در ایران یا مصر اجرا خواهد شد؟ در این زمینه برخی موافقت‌نامه‌های معاضدت و همکاری قضایی بین کشورها مانند موافقت‌نامه همکاری قضایی بین سوریه و ایران مورخ ۱۳۸۱، در ماده ۳۲ خود صراحتاً اعلام کرده است: «در صورتی که حکمی در خصوص دعوا بین همان اشخاص و با همان موضوع که اساس و منشأ آن‌ها یکی است، در کشور درخواست‌شونده اجرا صادر شود، حکم خارجی قابل اجرا نیست.» بدیهی است در خصوص

صلاحیت دادگاه ایرانی نخواهد بود و عملاً دادگاه ایرانی طبق قواعد امکان رسیدگی به چنین دعوایی را دارد و اگر قرار باشد در نهایت حکم صادره در چنین دعوایی در مقابل حکم صادره در محکمه خارجی کنار گذاشته شود، بخش انتهایی ماده ۹۷۱ قانون مدنی لغو خواهد بود. به نظر نگارنده تفاوتی نمی‌نماید که رسیدگی به دعوا در محکمه خارجی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدید نظر؛ همین که هنوز حکم قطعی لازم‌الاجرا صادر نشده باشد و بتوان روند دادرسی در محکمه خارجی را در جریان دانست؛ چنانچه همان دعوا یا دعوایی که از حیث آثار نتیجه‌اش متعارض با دعوای خارجی باشد، در محکمه ایرانی مطرح گردد، چنین امری مانع از شناسایی و اجرای حکم خارجی می‌گردد. بدیهی است که اگر حکم صادره از دادگاه ایرانی و همچنین حکم صادره از دادگاه خارجی در چنین فرضی دارای آثار یکسان باشند و تعارضی نداشته باشند، ارجحیت با اجرای حکم ایرانی است و در این فرض نیز راهی برای اجرای حکم خارجی باقی نمی‌ماند، چراکه هر سیستم قضایی به احکام صادره توسط خودش اعتبار بیشتری خواهد داد.

**۲-۱۱. تعارض میان دو حکم خارجی:** چنانچه دو حکم خارجی در موضوع مشابه تعارض داشته باشند، تکلیف قاضی، که درخواست اجرای این احکام معارض از وی شده، چیست؟ در قوانین موضوعه نظام حقوقی ایران این فرض پیش‌بینی نشده و عمده نویسندگان نیز این مسأله را پیش‌بینی ننموده‌اند. در پژوهشی یکی از نویسندگان با کمک گرفتن از دیدگاه‌های ارائه‌شده توسط محققان مصری، بر این عقیده است که در حقوق ایران در صورت مواجهه با چنین فرضی قاضی باید با رعایت جوانب مختلف مانند عدم مغایرت با نظم عمومی و از جمله تاریخ اقامه دعوا، حکمی را که قابلیت اجرا دارد، برگزیند. با این وجود به نظر می‌رسد در وهله نخست محکمه ایرانی بایستی هر دو حکم را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار دهد که آیا شرایط ایجابی و سلبی لازم برای شناسایی و اجرای حکم خارجی در نظام حقوقی ایران را دارد یا خیر؟ طبیعتاً اگر فقط یکی از دو حکم متعارض خارجی شرایط

چنانچه اقامه دعوا در کشور خارجی مقدم بر تاریخ اقامه دعوا در ایران باشد، قاضی ایرانی باید دستور اجرای حکم خارجی را صادر کند، زیرا احتمال تقلب وجود دارد و ممکن است محکوم علیه بعد از صدور حکم خارجی به منظور بی‌اعتبار کردن حکم همان دعوا را در ایران مطرح کند (۶).

به نظر می‌رسد دیدگاه پیش‌گفته با توجه به بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی و همچنین بخش اخیر ماده ۹۷۱ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «مطرح‌بودن همان دعوا در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود»، قابل پذیرش نیست. به باور نگارنده در پاسخ به این سؤال اگر فقط بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ملاک قرار داده شود، هرگاه درخواست شناسایی و اجرای حکم خارجی از محکمه ایرانی شود، مادام که در همان موضوع حکم متعارضی ولو غیر قطعی از محکمه ایرانی صادر نشده باشد، صرف مطرح دعوا در محکمه ایرانی مانع شناسایی و اجرای حکم خارجی نمی‌گردد، چراکه در بنده ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی به لزوم صدور حکم از محکمه ایرانی اشاره شده است. ایراد دیدگاه پیش‌گفته این است که حکم بخش اخیر ماده ۹۷۱ قانون مدنی را لغو و بیهوده می‌نماید. بنابراین به نظر می‌رسد از جمع بنده ۵ ماده ۱۶۹ ق.ا.م. و ماده ۹۷۱ ق.م. بتوان گفت در موارد ذیل محکمه ایرانی حکم خارجی را شناسایی و اجرا نخواهد کرد: ۱- هرگاه از محکمه ایرانی حکمی ولو غیر قطعی، اما متعارض با حکم خارجی صادر شده باشد؛ ۲- هرگاه قبل از تاریخ صدور حکم قطعی و لازم‌الاجرای خارجی، دعوایی با همان موضوع در محاکم ایرانی مطرح شده باشد. شاید این ایراد مطرح گردد که این فرض راه تقلب را می‌گشاید. بدین توضیح که شخصی که در دادگاه خارجی خود را بازنده می‌بیند یا در مرحله بدوی محکمه خارجی محکوم شده است؛ در اقدامی متقلبانه همان دعوا را در دادگاه ایرانی اقامه می‌نماید تا شاید به نتیجه‌ای دیگر دست یابد. در پاسخ می‌توان گفت، اگرچه تا حدی ایراد وارد است و امکان اقدامات متقلبانه را فراهم می‌نماید، اما بدون تردید طبق نص ماده ۹۷۱ قانون مدنی صرف مطرح‌بودن دعوایی در محکمه خارجی، رافع

۴- عبارت «قوانین مخصوص» در بند سوم ماده ۱۶۹ ق.ا.م. کلاً مبهم بوده و بهتر است قانونگذار اقدام به احصای قوانین مخصوص مدنظرش نماید.

۵- در بند پنجم ماده ۱۶۹ ق.ا.م. آمده است: «از دادگاه‌های ایران حکمی مخالف دادگاه خارجی صادر نشده باشد» و هیچ اشاره‌ای به فرض مطرح‌بودن دعوایی در ایران که متعارض با حکم خارجی باشد، ننموده است. این سکوت با توجه به بخش انتهایی ماده ۹۷۱ قانون مدنی موجب ابهامات و اختلاف نظرهایی بین نویسندگان شده است.

۶- در بند ششم ماده ۱۶۹ ق.ا.م. آمده است: «رسیدگی به موضوع مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه‌های ایران نداشته باشد»، شاید بتوان مفاد این بند را مبهم‌ترین بخش از ماده ۱۶۹ ق.ا.م. دانست، چراکه هر نویسنده‌ای در تفسیر این بند نظری متفاوت با دیگری داشته است و اساساً معلوم نیست «اختصاص به دادگاه‌های ایران داشتن» چه دعوای را در بر می‌گیرد.

۷- در بند هفتم ماده ۱۶۹ ق.ا.م. آمده است: «حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد»، مفاد بند حاضر این ابهام را ایجاد نموده که فقط جنبه تأکیدی داشته و مصداقی از بند ششم ماده ۱۶۹ ق.ا.م. است یا اینکه مفاد بند هفتم در کنار حکم مقرر در ماده ۹۷۲ قانون مدنی مبین شرط ایجابی جدیدی است و قاضی دادگاه ایرانی باید «صلاحیت قانون حاکم بر ماهیت دعوا» را نیز مورد بررسی قرار دهد.

### مشارکت نویسندگان

سهیل زنگی: طرح ایده مقاله، جمع‌آوری داده‌ها و نگارش مقاله. نجادعلی الماسی: راهنمایی در چینش و پلان مقاله و نظارت بر تحلیل داده‌ها و نگارش مطالب.

حسین مهرپور محمدآبادی: مشاوره در نگارش و تحلیل داده‌ها. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

شناسایی و اجرای حکم خارجی در حقوق ایران را داشته باشد، فقط همان حکم اجرا می‌شود و عملاً تعارض به معنای واقعی وجود ندارد، چراکه در چنین فرضی یک حکم در نظام حقوقی ایران معتبر نیست و بدیهی است که بین حکم معتبر و حکم غیر معتبر تعارض به معنای واقعی کلمه محقق نخواهد شد، اما اگر وضعیت به نحوی باشد که هر دو حکم شرایط ایجابی و سلبی لازم را داشته باشند، در این صورت تعارض به معنای واقعی کلمه محقق شده و محکمه ایرانی باید یکی از دو حکم را برگزیند. در این صورت به نظر انتخاب حکمی که تاریخ اقامه دعوایش مقدم بوده، از این جهت که تا حدودی جلوی اقدامات متقابلانه را می‌گیرد، بهتر باشد.

### نتیجه‌گیری

موارد ذیل را می‌توان به عنوان مهم‌ترین چالش‌های شناسایی و اجرای حکم خارجی در نظام حقوقی ایران احصاء نمود:

۱- عبارت «احکام مدنی» در صدر ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی تا حدی مبهم بوده و نسبت به دایره قلمرو احکام صادره از محاکم خارج که در شمول ماده ۱۶۹ ق.ا.م. تردیدهایی ایجاد نموده است.

۲- مفاد بند نخست ماده ۱۶۹ ق.ا.م، اگرچه فاقد ابهام است، اما اصل وجود چنین شرطی مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است تا حدی که برخی از نویسندگان مانع اصلی «شناسایی و اجرای احکام خارجی» در ایران را مفاد همین بند دانسته‌اند.

۳- عبارت «نظم عمومی» در بند دوم ماده ۱۶۹ ق.ا.م مبهم بوده و حدود و ثغور آن مشخص نیست، البته از این جهت نمی‌توان به قانونگذار نمی‌توان خرده گرفت، چراکه شاید بتوان گفت مبهم‌بودن در ذات عبارت «نظم عمومی» نهفته است و به همین جهت است که تمام تلاش‌هایی که در زمینه تعریف یا تعیین حدود و ثغور آن انجام شده با شکست مواجه شده است، البته بهتر بود قانونگذار با آوردن مصداقی از نظم عمومی تا حدی به روشن‌نمودن عبارت «نظم عمومی» کمک می‌نمود.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.



## References

1. Khodabakhshi A, Ansari A, Majdkabari M. Conditions of execution of foreign judgments in the laws of Iran and Egypt. *Journal of Private Law*. 2013; 15(2): 349-372. [Persian]
2. Shams A. Enforcement of civil orders. 5th ed. Tehran: Drak Publications; 1400. Vol.1 p.691. [Persian]
3. Mahmoudi Z, Ebrahimi N. Identification and enforcement of foreign judgments. *Rah Vakalat Magazine*. 2018; 11(21): 83-127. [Persian]
4. Mardani MH. Recognition and enforcement of foreign judgments in French English and American law. *The Legal Monthly Journal of the Association of Notaries and Clerks*. 1390; 25(123): 133-164. [Persian]
5. Almasi NA. Conflict of Laws. 38th ed. Tehran: Academic Publishing Center; 2021. p.233. [Persian]
6. Shams A. Advanced civil procedure. 1st ed. Tehran: Drak Publications; 2017. Vol.2 p.527. [Persian]
7. Arfa Nia B. Private international law. 4th ed. Tehran: Behtab Publishing; 2014. Vol.2 p.175. [Persian]
8. Almasi NA. Private international law. 22nd ed. Tehran: Mizan Legal Foundation; 2022. p.351. [Persian]
9. Mohajeri A. Encyclopaedia of enforcement of civil judgments. 2nd ed. Tehran: Fekrsazan Publications; 2017. Vol.3 p.392. [Persian]
10. Rudijani MM. Comprehensive interpretation of the law on enforcement of civil sentences. 1st ed. Tehran: Ava Publications; 2012. p.270. [Persian]
11. Shariat Bagheri MJ. The supremacy of international treaties over ordinary laws. *Journal of Legal Research*. 2019; 11(56): 279-305. [Persian]
12. Pournuri M. Identification and implementation of judgments of foreign courts in Iran. *Journal of the Central bar Association*. 2014; 65(186-187): 78-91. [Persian]
13. Kashi Arani RK. Conditions for the execution of a foreign judgment based on the validity of the sealed order. *Journal of Private Law*. 2019; 18(8): 139-158. [Persian]
14. Almasi NA. Recognition and enforcement of foreign judgments in French English and American law. *Journal of Faculty of Law and Political Sciences-University of Tehran*. 1991; 25(1161): 79-101. [Persian]
15. Mousavi SA. Enforcement of civil orders. 3rd ed. Tehran: Justice Publishing House; 2022. Vol.1 p.388. [Persian]
16. Bazarpach H, Pashazadeh H, Mojtahadi M, Maliki J. Review the Role of Public Order in the Implementation of Foreign Judgments in Terms of Islam and Iranian law. *Political and International Research Quarterly*. 2021; 12(47): 161-181. [Persian]
17. Moravand K. Identification and implementation of judgments of foreign courts in Iran. *Judicial Law Research Journal*. 2021; 2(4): 465-492. [Persian]
18. Saljuqi M. Private international law. 12th ed. Tehran: Mizan Legal Foundation; 2022. Vol.2 p.560. [Persian]
19. Madani Kermani A. Enforcement of civil orders. 2nd ed. Tehran: Majd Publications; 2011. p.219. [Persian]
20. Pirzadeh MH. Identifying and implementing judgments issued by foreign courts in Iran's legal system. 1st ed. Tehran: Bahrami Publications; 2017. p.224. [Persian]
21. Hayate AA. Implementation of civil judgments in the current legal system. 3rd ed. Tehran: Mizan Publications; 2011. p.416. [Persian]
22. Andy F. Systems and conditions governing the implementation of foreign judgments in Iran. *Qonun Yar Magazine*. 2018; 3(11): 335-359. [Persian]
23. Mafi H, Adabi Firouzjaei R. Jurisdiction of Iranian courts in the realm of private international law. *Scientific Quarterly Journal of Civil Law Knowledge*. 2013; 3(2): 48-63. [Persian]
24. Haddad H. Al-Akhtisas al-Qada'i al-Dawli and the works of al-Ahkam al-Janbiyyah, al-Tabbah al-Thani. Cairo: Al-Nashar Tobji; 2010. Vol.2 p.145. [Arabic]
25. Salame AA. Jurisprudence of al-Madaniyyah al-Dawliyyah. 1st ed. Cairo: Dar al-Nahda al-Arabiya; 2000. p.210. [Arabic]